

آیا رادیو و تلویزیون موجب تخریب سرمایه اجتماعی می‌شود؟

نویسنده: بنجامین ای. اولکن (دانشگاه هاروارد)^۱

مترجم: دکترعالیه شکرپیگی^۲ زهره رجبیه شایان^۳

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش ۸۸/۳/۱۴)

چکیده:

در این مقاله، اثر رادیو و تلویزیون را بر مشارکت و اعتماد در گروه‌های اجتماعی و اعمال کنترل بر دهکده‌های اندونزی بررسی می‌شود. به منظور شناختن اثر رادیو و تلویزیون بر مولفه‌های یاد شده در اندونزی، از دو متغیر خارجی (exogenous) استفاده شده است. اولین متغیر، نوسانات قدرت سیگنال در کوه‌های شرقی و مرکز جاوه است و دومین متغیر، بر اساس معرفی فضا و زمان تلویزیون خصوصی در اندونزی است. با استفاده از این دو رویکرد متوجه شدیم که با زیاد شدن کانال‌های صوتی و تصویری، زمان تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو افزایش می‌یابد و همین امر باعث کم شدن مشارکت و اعتماد در سازمان‌ها و جامعه می‌شود. بخصوص متوجه شدیم که مشارکت در فعالیت‌های محلی و گروه‌های غیررسمی نیز کمتر شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت، اعتماد، گروه‌های اجتماعی، رادیو و تلویزیون.

Bengamin A. Olken (Harvard University, May 2007)

Email: a_shekarbeugi@yahoo.com

-1 - پژوهشگرواستاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (رشته جامعه‌شناسی).

Email: salam2005farda@yahoo.com

-2 - پژوهشگر مرکز مطالعات رسانه‌ای همشهری.

-3 - پژوهشگر مرکز مطالعات رسانه‌ای همشهری.

مقدمه

طی دهه های اخیر، اقتصاددانان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی به پدیده سرمایه اجتماعی و جنبه های مختلف آن، از جمله تعاملات اجتماعی، شبکه ها و ارتباط مردم با همدیگر، توجه زیادی کرده اند. علاوه بر این موضوعات، مولفه های مهم دیگری از سرمایه اجتماعی، مانند نظارت، نیز توضیح داده شده است.^۱

بسیاری از صاحب نظران اهمیت زیادی برای سرمایه اجتماعی قائل شده اند. برخی از آنها هم درباره کاهش این سرمایه و ابعاد مختلف آن هشدار داده اند. مثلاً رابرت پاتنام (Robert Patnam) در کتاب "بولینگ بازی به تنهایی" (Bowling Alone) کاهش سرمایه اجتماعی را در آمریکا مطرح و بیان می کند که افزایش و توسعه کانال های تلویزیونی، نقش بزرگی در کاهش سرمایه اجتماعی دارد. اما پژوهش های انجام شده، هنوز رابطه ای علی بین کانال های تلویزیونی و سرمایه اجتماعی را نشان نمی دهند و تنها برخی از این تحقیقات، دال بر وجود همبستگی بین تماشای تلویزیون و تنوع سرمایه اجتماعی است.

در این مقاله، ارتباط میان رادیو و تلویزیون و دو شاخص سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت و اعتماد در گروه های اجتماعی را ارزیابی می کنم. برای بررسی این موضوع، از نتایج تحقیق انجام شده در میان کشاورزان اندونزیایی استفاده می کنم. بنا به دو دلیل این نمونه از میان کشاورزان اندونزیایی انتخاب می شود. دلیل اول، غنای اجتماعی کشاورزان اندونزیایی در منطقه است. دلیل دوم، در اندونزی امکان دسترسی به رادیو و تلویزیون های خارجی بر اساس دو علت امکان پذیر است. اولین علت، امکان هدایت سیگنال های رادیو تلویزیون از طریق آنتن های نصب شده در کوهها است. دومین علت، امکان ارائه برنامه های رادیو و تلویزیون در زمان و مکان های متفاوت برای مخاطبان وجود دارد. دو روش فوق، نتایج مشابهی را ارائه می دهد: یعنی هر چه دسترسی مردم به رادیو و تلویزیون افزایش می یابد، سطح سرمایه اجتماعی در میان مردم کم می شود.

هدایت سیگنال های رادیو و تلویزیون از طریق کوه های شرق و مرکز جاوه به روستاهای اندونزی، موجب دریافت کانال های رادیو و تلویزیون در این مکان ها می شود. دلیل آن، ویژگی های روستایی در اندونزی است. این ویژگی ها شامل: جمعیت، خانوارهای کشاورزی، اعتماد و مشارکت و دیگر مسائل در این مناطق است. بنابراین، ارائه شبکه های خصوصی تلویزیونی به راحتی انجام می گیرد. برای رسیدن به نتیجه فوق، از داده های تحقیقی که در ۶۰۰ روستای اندونزی صورت گرفته است، استفاده می شود. نتایج بدست آمده در تحقیق فوق نشان می دهد، به طور میانگین زمان تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو ۷ دقیقه در روز افزایش داشته است، که نشان دهنده همبستگی بین زمان تماشا و گوش دادن به رادیو و دریافت شبکه های رادیو و تلویزیون خصوصی از طرف روستاییان است.

در تحقیق انجام شده، متوجه شدم که دسترسی مردم روستایی به شبکه های رادیو تلویزیون موجب کاهش مشارکت روستائیان در فعالیت های اجتماعی در روستاها می‌شود. آمار نشان می‌دهد که مشارکت مردم در گروه های اجتماعی ۷ درصد در طول ۳ ماه متوالی کاهش داشته و علاوه بر آن، کاهش مشارکت را در روابط همسایگی و انجمن های مدارس و دیگر گروه‌های رسمی و غیر رسمی نیز مشاهده می‌شود. روی هم رفته، با افزایش هر دقیقه تماشا و گوش دادن به رادیو و تلویزیون، ۲۸٪ در صد از مشارکت روستائیان در گروه‌های اجتماعی روستا کم می‌شود.

دومین تجربه من، بررسی دو سرشماری PODES و SUSENAS در سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ است. قبل از این بررسی، باید ذکر شود، قبل از سال ۱۹۹۳، یک ایستگاه تلویزیونی دولتی (TVRI) در سراسر اندونزی وجود داشت ولی بعد از سال ۱۹۹۳، تعداد ۱۱ ایستگاه تلویزیونی خصوصی در سراسر اندونزی شروع به فعالیت کردند. با توجه به این رویکرد، سطوح مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در روستاهای اندونزی بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ بررسی می‌شود تا تفاوت سرمایه اجتماعی به خاطر افزایش شبکه های تلویزیونی در روستاها مورد بررسی قرار گیرد.

پس از کنترل و بررسی دو سرشماری فوق، متوجه شدم که چگونه شبکه های رادیو تلویزیون بر عناصر سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت و اعتماد در گروه های اجتماعی در روستاهای اندونزی تاثیر می‌گذارد (برای نمونه Knak, 1997 و Keefer و La Porta et a., 1997). مشارکت و عدم مشارکت در گروه‌های اجتماعی در روستاها موجب دو حرکت می‌شود: اگر مشارکت در گروه‌های اجتماعی زیاد باشد، اعتماد در بین آنها افزایش می‌یابد ولی در غیر این صورت، با کاهش اعتماد در گروه‌های اجتماعی مواجه خواهیم شد. با نتایجی که از تحقیق جاوه بدست آوردم، متوجه شدم که تاثیر رادیو تلویزیون، موجب کاهش اعتماد در میان روستائیان اندونزیایی می‌شود.

سرمایه اجتماعی از مقولاتی است که برای اولین بار پاتنام و دیگر جامعه شناسان به بررسی آن در مسائل اجتماعی پرداختند و کم کم در مباحث گوناگون از این نظریه استفاده شد. آن‌ها معتقدند که با کم شدن سرمایه اجتماعی، نظارت و کنترل نیز به مراتب کمتر می‌شود. بر اساس نظر فوق، به بررسی چندین نظارت انجام شده در تحقیق جاوه پرداختم. تصور می‌شد که مراحل ساخت و نظارت بر جاده های روستایی جاوه با مشارکت همراه است. ولی نتایج حاکی از این است که با زیاد شدن کانال‌های تلویزیونی، مشارکت و نظارت بر ساخت جاده های روستایی جاوه کمتر شده که نهایتاً، منجر به کشف اثر قدرت تاثیر سیگنال های تلویزیونی بر سرمایه اجتماعی شد.

۱- محیط و اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل این بررسی، از نتایج دو تحقیق استفاده کردم، اولین تحقیق مربوط به پژوهش جاوه است که در ۲۰۰۶ دهکده در شرق اندونزی انجام شد. در این تحقیق، اطلاعات کاملی

در مورد سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی و نحوه دسترسی به رادیو و تلوویزیون جمع آوری کردم. دومین تحقیق، مربوط به سرشماری اداره آمار اندونزی است که از داده های این پژوهش نیز استفاده شده است. دو تحقیق فوق به ترتیب مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- تحقیق جاوه

روستاهای جاوه از پر جمعیت ترین مناطق روستایی اندونزی در دنیا است که جمعیت آن در هر کیلومتر مربع ۷۵۰ نفر است^۱. تراکم بالای جمعیت در نواحی جاوه با توجه به مساحت بسیار کم آن، به طور میانگین نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت است. نمونه تحقیق ۱۱۰۰ کیلومتر از این ناحیه را پوشش می دهد (جدول ۱). این نواحی به بخش های فرعی و بخش های فرعی به روستاها و روستاها به دهکده های بدون کلیسا و دهکده ها به بلوک و نهایتاً هر بلوک از چندین خانوار تشکیل شده است. زمان انجام پژوهش جاوه، بین سپتامبر ۲۰۰۳ و آگوست ۲۰۰۴ است. در این تحقیق، از متغیرهایی مثل اثرات ثابت در نواحی استفاده شده است تا محقق بتواند موقعیت های محلی و اختلاف فرهنگی را در نواحی روستاهای اندونزی کنترل کند. در این تحقیق، تمامی روستاها بررسی شدند، زیرا تمامی آنها تحت پوشش ساخت جاده بودند. بدین ترتیب در این تحقیق، از سه متغیر اصلی از سازمان های اجتماعی استفاده می شود. این متغیرها عبارتند از: دریافت، استفاده از سیگنال های تلوویزیونی و اطلاعاتی در زمینه نظارت است.

۲-۱ سازمان های اجتماعی

در روستاهای اندونزی، شبکه های پیچیده ای از گروه های اجتماعی وجود دارد که شامل طیف وسیعی از سازمان های اجتماعی است. این سازمان ها شامل: گروه های مذهبی، همسایگان، شرکت های اعتباری (ROSCA) و گروه های زنان است که همکاری و همیاری در سطح وسیعی در بین آنها دیده می شود. بر اساس این همیاری و همکاری، زیربنای اجتماعی آنها همیشه در حال اصلاح است. به منظور سنجیدن فعالیت گروه های مختلف اجتماعی، از دو نوع اطلاعات پژوهشی استفاده می کنم که بدین شرح است: استفاده از اطلاعات کلیدی مربوط به سازمان های اجتماعی و اطلاعات خانگی موجود در روستا. اطلاعات کلیدی و خانگی شامل فعالیت های سه دوره پژوهش پاسخگویان است. در رابطه با اطلاعات کلیدی، پژوهشگر از رئیس روستا فهرست کامل گروه های اجتماعی را درخواست می کند. این گروه های اجتماعی از ۱۲ طبقه تشکیل می شود که هر کدام از این طبقات شامل ۴ یا ۵ فعالیت اجتماعی مشترک است. همینطور در رابطه با اطلاعات خانگی، پژوهشگر از طریق پاسخگو (نمونه) به اطلاعات کلیدی دسترسی می یابد. بنابراین پژوهشگر بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، می تواند تصویری از همه گروه های روستا داشته باشد.

اطلاعات کلیدی بدست آمده را می‌توانید در جدول شماره ۲ ستون ۱ مشاهده کنید. طبق اطلاعات موجود در جدول، ۱۷۹ گروه در هر روستا وجود دارد که برای هر ۱۵ نفر، یک گروه پیش بینی شده است. بنابراین با استفاده از تعداد مشارکت کنندگان و تعداد جلسات، می‌توان میانگین تعداد دفعات مشارکت در جلسات را تخمین زد. به طور میانگین در طول سه ماه، هر نفر در ۱۱ جلسه شرکت داشته است.

۲-۱-۲ دریافت شبکه های تلویزیونی و استفاده از آن

در حال حاضر اندونزی دارای ۱۱ کانال تلویزیونی فرامرزی است. این کانال ها عبارت است از: کانال دولتی (TVRI)، سه شبکه اصلی (SCTV, RCTI و Indosiar)، کلیه ایستگاه‌های خیری جدید (MetroTV) و شش شبکه فرعی (Lativi, GlobalTV, ANTV, TransTV, TV7 و TPI). برنامه های شبکه های خصوصی به جز (Metro TV) شامل سرگرمی، از قبیل برنامه‌های کمدی، نمایش‌های تلویزیونی کم ارزش، فیلم‌ها و برنامه‌های مذهبی است. علاوه براین، کانال‌های دولتی و شبکه‌های اصلی، اخبار روزانه را نشان می‌دهد.

بر طبق اطلاعات بدست آمده در پژوهش جاوه (جدول ۲ ستون ۱)، به طور متوسط هر خانوار روستایی ۵ شبکه تلویزیونی از ۹ شبکه را به راحتی دریافت می‌کند. البته تعداد شبکه های دریافتی پاسخگویان مالک تلویزیون، در هر ناحیه به طور متوسط ۲۰ روستا از ۱۵۵ روستای ناحیه است. روی هم رفته، زمان تماشای تلویزیون در پاسخگویان به طور متوسط ۱۲۳ دقیقه در روز و زمان گوش دادن به رادیو ۵۰ دقیقه در روز است.

۲-۱-۳ نظارت

در این مقاله، دو نوع بررسی از اطلاعات مربوط به نظارت پژوهش جاوه صورت می‌گیرد. اولین بررسی، سنجش نظارت انجام شده بر جلسات مربوط به پروژه جاده است. دومین بررسی، سنجش هزینه های تلف شده در پروژه ساخت جاده روستایی است. در اولین بررسی، پرسشگران موظفند موضوعات مطرح شده در جلسات را یادداشت یا ضبط کنند تا بتوانند به بررسی و حل مسائل بپردازند. در دومین بررسی، کارشناسان کمیته مصالح استفاده شده را ارزیابی و قیمت گذاری می‌کنند و بعد از آن با قیمت داده شده از طرف فروشندگان محلی مقایسه می‌شود. اختلاف قیمت بدست آمده، هزینه های تلف شده بر ساخت جاده روستایی است. در این سنجش ۴ مسئله بررسی می‌شود: (۱) هزینه های تلف شده در پروژه های اصلی ساخت جاده (۲) هزینه های تلف شده در پروژه های فرعی (۳) قیمت تلف شده در پروژه (۴) مصالح تلف شده در پروژه.

۲-۲ داده‌های سرشماری ملی

علاوه بر جمع آوری جزییات داده‌های پژوهش جاوه، همچنین به بررسی داده‌های ملی که مبتنی بر داده‌های جمع آوری شده از طریق اداره آمار (BPS) است، می‌پردازم. داده‌های جمع آوری شده به من این اجازه را می‌دهد تا مناطق فرعی یک ناحیه را در قبل و بعد از اضافه شدن شبکه های تلویزیونی مقایسه کنم. متأسفانه، داده‌های اداره آمار برخلاف داده‌های موجود در پژوهش جاوه، صرفاً محدود به سوالات سرمایه اجتماعی است. بنا به این دلیل، مجبور به بررسی داده‌های دو منبع، یعنی پژوهش جاوه و سرشماری اداره آمار هستیم.

۲-۲-۱ داده‌ها در مورد سازمان‌های اجتماعی

همانند پژوهش جاوه، با توجه به اطلاعات کلیدی و خانوار در سرشماری اداره آمار، به بررسی سرمایه اجتماعی در آن می‌پردازم. شایان ذکر است که اطلاعات کلیدی، مربوط به سرشماری سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ روستاهای اندونزی است (PODES). اطلاعات کلیدی مانند پژوهش جاوه از طریق رئیس روستا جمع آوری می‌شود (توضیح کامل در پژوهش جاوه ۲-۱-۲). البته نمونه تحقیق محدود به شهرهای بزرگ مثل جاکارتا، سورابایا و مدان است. در ضمن شهرهای مبارز مثل مالوکا، تیمور شرقی و ایرین به خاطر شرایط خاص‌شان از قلم افتاده است.

آمارهای بدست آمده در زمینه مشارکت فعالیت‌ها را در ستون ۲ جدول ۲ مشاهده می‌کنید، که نشان دهنده افزایش میانگین فعالیت‌ها در روستاها در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ است (میانگین به ترتیب ۲٫۸ و ۳٫۳).

اطلاعات خانوار روستا مربوط به سرشماری ۱۹۹۱ (PODES) و داده‌های رفاه اجتماع ملی، مربوط به سرشماری سال ۲۰۰۳ (SUSENAS) است. در سرشماری ۲۰۰۳، سوالاتی در زمینه مشارکت پرسیده شد ولی اطلاعات درستی بدست نیامد. بر این اساس، برای رسیدن به نتایج مشارکت مردم روستا، مجبور به بررسی سازمان‌هایی مثل سازمان‌های مذهبی، ورزشی، هنری و زنان و... شدم. در کنار آن، سوالاتی نیز در مورد تماشای تلویزیون در آخر هفته پرسیده شد. در صورتی که در سرشماری ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ فقط در باره زمان تماشای تلویزیون پرسیده شده بود.

۲-۲-۲ اطلاعات در زمینه دریافت شبکه‌های تلویزیونی

نمونه سرشماری ملی از اطلاعات مربوط به تعداد شبکه‌های دریافتی بعد از معرفی تلویزیون خصوصی در سرشماری سال ۲۰۰۶ (PODES) استفاده شد. البته اولین دوره ای بود که سوال مربوط به دریافت شبکه های تلویزیونی بدون آنتن ماهواره و کابل تلویزیونی از رئیس روستا پرسیده شد.

همانطور که ستون ۲ از جدول ۲ نشان می‌دهد، روستاها به طور میانگین ۶ تا از ۱۱ ایستگاه را دریافت می‌کنند.

در نتیجه برای تجزیه و تحلیل، از داده‌های تلویزیون خصوصی ارائه شده در سال ۱۹۹۳ در اندونزی استفاده کردم. شایان ذکر اینکه در تجزیه و تحلیل، فرض من بر این بود که همه مناطق قبل از ارائه تلویزیون خصوصی، به کانال‌های دولتی دسترسی دارند.

۳- استراتژی تجربی: قدرت سیگنال و استفاده رسانه

۳-۱ تعیین کننده قدرت سیگنال

این مقاله از دریافت سیگنال‌های تلویزیونی، به عنوان عامل تعیین کننده خارجی استفاده می‌کند.

استفاده از عامل تعیین کننده خارجی مثل سیگنال‌های قوی برای نمایش تلویزیون، حائز اهمیت است تا بتواند ارائه شبکه‌های تلویزیونی و درخواست مردم برای داشتن شبکه‌های تلویزیونی را از هم تفکیک کند. مثلاً، اگر رئیس روستا که گروه‌های اجتماعی را سازماندهی می‌کند بی‌کفایت باشد، خانواده‌ها ممکن است به سبب فقدان فعالیت‌های اجتماعی جاری از طریق تماشای تلویزیون واکنش نشان دهند، یعنی مردم به درخواست خودشان، تلویزیون را جایگزین این ارتباطات می‌کنند. بر اساس داده‌های پژوهش جاوه، به شناخت مناطق می‌پردازیم، تا علت نوسانات ایجاد شده در دریافت سیگنال‌های تلویزیونی را بررسی کنیم. که این نوسانات ممکن است به خاطر مناطق متقاطع واقع در کوه‌های شرق و مرکز جاوه باشد، یا اینکه مربوط به ویژگی‌های روستایی، و این ممکن است بر کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی آن مناطق موثر باشد. بنابراین، مکان‌های ایستگاه‌های تلویزیونی واقع در کوه‌های شرق و مرکز جاوه را شناسایی و بررسی می‌کنم (در شکل ۱ می‌توانید ملاحظه کنید).

بر این اساس، اثرات ثابت ناحیه را در نظر می‌گیرم. اثرات ثابت ناحیه، ۹۵ درصد نوسانات ایجاد شده بین فاصله نواحی و سه شهر بزرگ را کنترل می‌کند (شکل ۱). از طرف دیگر، جدول ۲ نشان می‌دهد که جابجایی اثرات ثابت ناحیه، مانع ۷۵ درصد نوسانات شبکه‌های تلویزیونی است، به انضمام اینکه، اثرات ثابت ناحیه باعث جابجایی و تغییر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی در سرتاسر شرق و مرکز جاوه هم می‌شود. علاوه بر آن، دیگر متغیرها مثل فاصله تا شهر، مناطق ساحلی و مشخصه‌های ظاهری شمال، شرق و جنوب را در نظر می‌گیرم تا تفاوت‌های محلی در آن نواحی را کنترل کنم. همچنین، جدول ۳ نشان دهنده اثرات ثابت ناحیه، ارتفاعات و دیگر ویژگی‌های روستایی است که مجدداً بررسی می‌شود.

برای بدست آوردن متوسط تعداد شبکه های خانوارهای مالک تلویزیون، از معادله زیر استفاده می‌کنم:

$$\text{NUMCHANNELSsd} = \text{ad} + \text{Xvsd} \cdot \text{GEOGRAPHY}(\text{vsd}) + \text{Evsd} \quad (\text{معادله } 1)$$

V = نشانگر روستا

s = نشانگر بخش های فرعی از منطقه

d = نشانگر ناحیه

NUMCHANNELS = متوسط تعداد کانال های خانوارهای مالک تلویزیون به جز صاحبان ماهواره

ad = نشانگر اثرات ثابت ناحیه

(GEOGRAPHYvsd) = نشانگر متغیرهای جغرافیایی که در بالا توضیح داده شد (شامل: بلندی،

مسیر شیبدار، فاصله و زمان سفر به نزدیک ترین شهر کوچک و فاصله به نزدیک ترین شهر بزرگ و

بخش های فرعی ساختگی ناحیه)

X = مجموعه ای از دیگر ویژگی های روستا

تا آنجایی که امکان داشت، متغیرهای Xvsd از سرشماری PODES سال ۱۹۹۰ یعنی قبل از معرفی تلویزیون خصوصی محاسبه شده است. این متغیرها عبارت است از: جمعیت جوان، جمعیت کشاورز، تعداد مدارس در روستا، تعداد ساختمان های مذهبی از جمله مساجد، سالن های نماز خانوارها، کلیساها و غیره. متغیرهای ساختگی عبارت است از: ورزش ها، هنرها، رفاه اجتماعی و گروه جوان در روستا. ۱. بعلاوه، بسیاری از اطلاعات موجود مثل: میانگین سطح سواد جوان در روستا، نژاد و خرده مذاهب، تعداد دهکده ها در روستا و همینطور طبقه بندی جمعیتی مانند فقر، از طریق مشارکت طرح خانواده ملی (BKKBN) در نظر گرفته شده است.

با توجه به معادله (۱)، اولین ستون از جدول ۳ نشان می‌دهد بعد از کنترل کردن اثرات ثابت ناحیه، تعداد کانال های دریافتی با ۳ متغیر از ۲۴ متغیر مطرح شده، همبستگی دارد که عبارت است از: گروه رفاه اجتماعی روستا (سال ۱۹۹۰)، تعداد روستاهای بدون کلیسا و نواحی ساحلی؛ وبا متغیرهای ساختگی، همبستگی منفی دارد. به هر حال از ۷ متغیر سرمایه اجتماعی مطرح شده (یعنی تعداد مساجد، تعداد محل های عبادت، تعداد ساختمان های دیگر مساجد، مکان های ورزشی، هنری، رفاه اجتماعی یا انجمن های جوانان در روستا)، ۳ تا از متغیرها با تعداد کانال های دریافتی دارای ضریب همبستگی مثبت و ۴ تای دیگر دارای ضریب همبستگی منفی هستند. این ۳ متغیر نشان می‌دهد که رابطه ای میان میزان سرمایه اجتماعی قبلی و دریافت شبکه های تلویزیونی وجود ندارد. روی هم

رفته، ضریب همبستگی (P-Value) (با توجه با آزمون F) ۷ متغیر سرمایه اجتماعی ۰,۰۷، ضریب همبستگی ۱۵ متغیر غیر جغرافیایی ۰,۲۰ و ضریب همبستگی همه ۲۴ متغیر ۰,۱۴ است. البته ضریب همبستگی دو بخش از این تحقیق، در رابطه با دریافت سیگنال‌های تلویزیونی از دور خارج می‌شود؛ در ستون ۲، مرتفع‌ترین و کم ارتفاع‌ترین بخش‌های فرعی از نواحی را در دوره‌های دریافت تلویزیون را از دور خارج کردم (بعد از جابجا کردن میانگین‌های ناحیه) - یعنی، ۲ تا از ۱۵۵ نمونه از بخش‌های فرعی ناحیه را از قلم انداختم. ۱۰ زمانی که من این کار را کردم، مفهوم فردی در سه آمار قبلی به عنوان متغیرهای اصلی حذف شدند. در این نمونه، ضریب همبستگی (با توجه به آزمون F) ۷ متغیر سرمایه اجتماعی ۰,۳۱ است و ضریب همبستگی ۱۵ متغیر غیر جغرافیایی ۰,۳۴ و ضریب همبستگی ۲۴ متغیر ۰,۱۸ است.

از نتایج این رگرسیون‌ها اینطور به نظر می‌رسد که دو بخش از روستاهای شرق و مرکز جاوه از قلم افتاده است. ظاهراً بین دریافت تعداد شبکه‌های تلویزیونی با متغیرهای سرمایه اجتماعی قبلی و دیگر ویژگی‌های روستا توازن وجود دارد، هرچند نتایج تحقیقات انجام شده در نمونه فوق (بدون دوبخش) با نتایج تحقیقات نمونه کامل (با توجه به دو بخش) یکسان است؛ اما همه ۲۴ متغیر کنترلی را به عنوان رگرسیون‌های اضافی در همه معیارهای قبلی در نظر گرفتیم، ولی در نتایج تغییری ایجاد نشد. در ستون‌های ۳ و ۴، من همان رگرسیون را تکرار می‌کنم، اما این دفعه از نمونه‌های دو سرشماری PODES و SUSENAS سال ۲۰۰۳ استفاده می‌کنم. در نمونه PODES ستون ۳، رابطه معناداری میان متغیرهای سرمایه اجتماعی قبلی و دریافت شبکه‌های تلویزیون فعلی وجود دارد، و متوجه شدم که در سال ۱۹۹۰، کمک جوانان منجر به دریافت کانال‌های تلویزیونی در سال ۲۰۰۳ شد. همینطور در روستاهایی که دارای مساجد بیشتری بودند، دریافت شبکه‌های تلویزیونی در سال ۲۰۰۳ به مراتب کمتر بود. روی هم رفته، آزمون F در نمونه PODES، دو متغیر (سرمایه اجتماعی و غیر جغرافیایی) را نشان می‌دهد که پیش بینی کنندگان اصلی دریافت تلویزیون در سال ۲۰۰۳ هستند (در هر دو مورد $P < 0.01$). ۱. نمونه سرشماری SUSENAS، مجموعه بسیار کوچکتر بخش فرعی ناحیه است که به نظر می‌رسد باثبات‌تر باشد ($P = 0.23$ برای متغیرهای سرمایه اجتماعی و $P = 0.29$ برای همه متغیرهای غیر جغرافیایی). با توجه به اینکه من این همبستگی را قبول کردم ولی به طور تمام وقت، تغییرات در سطح سرمایه اجتماعی را بررسی می‌کردم.

در یک مقایسه اساسی، من در ستون ۵ رگرسیون مشابه با ستون ۲ را تکرار می‌کنم اما این دفعه با تعدادی از گروه‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل عمل می‌کنم. با مقایسه ضرایب ستون ۱ و ۴ با ضرایب ستون ۵ می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای سرمایه اجتماعی بخش‌های فرعی ناحیه و متغیر مستقل این بخش‌ها برای دریافت شبکه‌های تلویزیونی همبستگی وجود دارد. داده‌ها مربوط به تحقیق جاوه در ستون ۵ نشان می‌دهد که اکثر متغیرهای جغرافیایی، تعیین کننده سرمایه اجتماعی

نیستند. با وجود اینکه روستاییان زمان کمتری را برای سفر به نزدیک‌ترین شهر بزرگ صرف می‌کنند، ولی گروه‌های اجتماعی کمتری دارند. در حالیکه به متغیرهای سرمایه اجتماعی سال ۱۹۹۰ می‌نگریم، متوجه می‌شویم روستاهایی که دارای گروه‌های ورزشی یا هنری هستند، احتمالاً در سال ۲۰۰۳ دارای سرمایه اجتماعی بیشتری هستند. در مجموع این متغیرها، پیش بینی‌کننده‌های مهم تعداد گروه‌های اجتماعی در سال ۲۰۰۳ است (ضریب همبستگی در متغیرهای سرمایه اجتماعی ۰,۰۸، و ضریب همبستگی در متغیرهای غیر جغرافیایی کمتر از ۰,۰۱ است).

۲- تاثیر بر استفاده رسانه و مالکیت

پس از کشف تعیین کننده‌های دریافت سیگنال‌ها، سوال بعدی اینست که " آیا حقیقتاً دریافت تعداد بیشتر سیگنال‌های تلویزیونی، مربوط به گذراندن زمان بیشتر برای تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو است؟" بر این اساس، بر مجموع دقایق تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو تمرکز می‌کنم. در حالیکه روستاهایی که دریافت بیشتری از تلویزیون دارند ممکن است که دریافت بیشتری نیز از رادیو داشته باشند و این اطلاعات در تحقیق جاوه موجود است، من فقط می‌توانم تجزیه و تحلیل استفاده از تغییر بخش‌های متقاطع (cross-sectional) را انجام دهم.

برای بدست آوردن رگرسیون OLS، از داده‌های پژوهش جاوه استفاده می‌کنم که به شرح زیر است:

$$\text{MINUTES}_{\text{Hvsd}} = \alpha + \beta \text{NUMCHANNELS}_{\text{Ssd}} + \gamma \text{Hvsd} + \delta \text{Xvsd} + \epsilon \text{Hvsd} \quad (\text{معادله } ۲)$$

H = نشان دهنده خانوار

MINUTES = نشان دهنده شمار دقایق تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو در هر روز

γ = بردار کنترل‌های خانوار (جنس، سن، پیش بینی سرانه هر نفر و اینکه آیا خانوار برق دارد)

X = بردار کنترل‌های روستا قابل استفاده در جدول ۳ (شامل کنترل‌های جغرافیایی)

α = اثرات ثابت نهایی

رگرسیون داده‌های جاوه را از طریق فرمول OLS در سطح خانوار محاسبه می‌کنم^۱، و خطاهای استاندارد را به خاطر دسته بندی کردن در بخش‌های فرعی محاسبه نمی‌کنم.

نتایج در ستون ۱ جدول ۴ نشان می‌دهد که با اضافه شدن شبکه‌های تلویزیونی، مدت زمان تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو ۱۴ دقیقه افزایش می‌یابد که به طور میانگین افزایش ۸ درصدی را نشان می‌دهد. در ستون ۲ و ۳ دوباره به صورت جداگانه، معادله ۲ را به خاطر گذران دقایق تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو برآورد می‌کنم. نتایج اشاره می‌کند با افزایش هر شبکه تلویزیونی، روزانه به طور متوسط ۷ دقیقه به تماشای تلویزیون و ۷ دقیقه به گوش دادن رادیو اضافه می‌شود.^۱ همانطوری که جداول نشان می‌دهد، دریافت سیگنال رادیو و تلویزیون احتمالاً دارای همبستگی بالاست. ولی در ادامه امکان بررسی جداگانه دریافت سیگنال‌های رادیو و تلویزیون وجود

نداشت. بنابراین، اثر دریافت سیگنال‌های تلویزیون را به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ظهور رسانه تفسیر می‌کنم. در مجموع می‌توان گفت، ۱۴ دقیقه فرصت اضافه ای است که هر نفر برای تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو دارد.

سوال بدیهی اینکه "آیا دریافت بهتر سیگنال‌های تلویزیون، منجر به تغییر در مالکیت تلویزیون می‌شود؟" در ستون ۴، من مالکیت تلویزیون خانوار را بررسی می‌کنم. به منظور ساده کردن تفسیر ضرایب با متغیرهای وابسته دوتایی در اثرات ثابت رگرسیون‌ها، از مدل‌های احتمالی خطی استفاده می‌کنم و نتایج به لحاظ کیفی، مشابه مدل‌های Probit (واحد قیاس احتمالات آماری بر اساس حداقل انحراف از میزان متوسط) هستند. ستون ۴ اثر دریافت تلویزیون در مورد مالکیت تلویزیون در روستاهای اندونزی را نشان می‌دهد و اشاره می‌کند که تاثیر کانال‌های زیاد فقط به خاطر مالکیت تلویزیون است. در حالیکه قبلا نرخ مالکیت تلویزیون ۷۰ درصد بیان شده که به طور میانگین ۹۷ درصد خانوارها به تماشای تلویزیون می‌پردازند و این نشان دهنده گسترش شبکه‌های اضافی است.

۴- تاثیرات بر سرمایه اجتماعی

۴-۱ شواهدی از تحقیق جاوه

۴-۱-۱ مشارکت در سرمایه اجتماعی

اولین برآورد سنجش سرمایه اجتماعی در این مقاله، مشارکت در گروه‌های اجتماعی است. سنجش سرمایه اجتماعی ابتدا از طریق پانتم در سال ۱۹۹۳ انجام شد. برای سنجش سرمایه اجتماعی از چند روش می‌توان استفاده کرد. همانطور که در بالا بحث شد، در آزمون پژوهش جاوه، میزان مشارکت در گروه‌های اجتماعی بررسی می‌شود که مبتنی بر دوچیز است: اول، اطلاعات کلیدی روستا و دیگری، افراد پژوهش است. برای بدست آوردن مشارکت از معادله ۳ یعنی OLS استفاده می‌شود:

$$\text{LOGGROUPS}_{vsd} = \alpha + \beta \text{NUMCHANNELS}_{sd} + \gamma \text{X}_{sd} + \delta + \epsilon \text{ vsd} \quad (\text{معادله ۳})$$

از فرمول فوق برای ارزیابی رگرسیون استفاده می‌کنم تا بتوانم نوسانات جمعیت جوان و تعداد روستاها بر اساس اندازه و ساخت آن روستا بدست بیاورم.

نتایج ستون ۱ در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که متغیر وابسته شامل کل گروه‌های اجتماعی در روستاست. رگرسیون، شامل اثرات ثابت ناحیه و متغیرهای قبلی کنترل روستایی (فاصله و زمان فاصله) در جدول ۳ است. بدون در نظر گرفتن خطای استاندارد، نتایج نشان می‌دهد که علت اضافه شدن شبکه‌های تلویزیون (۶,۸ درصد) به تعداد گروه‌های خارج از روستا مربوط می‌شود. ستون ۲ نتایج بررسی دوباره ستون ۳ است که متغیر مستقل، شامل مدت زمانی است که هر بزرگسال در هر گروه اجتماعی در سه ماهه گذشته در جلسات حضور داشته است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش هر

کانال خارجی تلویزیون، به کاهش ۱۱ درصدی مشارکت فرد در جلسات در سه ماهه گذشته کمک کرده است.

ستون‌های ۳ و ۴ متغیرهای مشابه از پژوهش خانوار را نشان می‌دهد. ستون ۳ نشان می‌دهد که با افزایش هر شبکه تلویزیونی، ۴ درصد از تعداد گروه‌های اجتماعی و ۲٫۸ درصد از مشارکت در جلسات کم می‌شود، گرچه این نتایج کمتر برآورد شده و به لحاظ آماری معنی دار نیست.^۱ نتایجی وجود دارد که در جدول گزارش نشده است. با استفاده از اطلاعات خانوار، غیر یکنواختی در جوابگویی به شبکه‌های اضافی را (از طریق دریافت تعداد شبکه‌های تلویزیونی) با متغیرهای پاسخگویان مثل تحصیلات و جنس و سن ارزیابی می‌کنم تا هزینه هر خانوار را پیش بینی کنم. بر طبق آمار، نتایج نشان می‌دهد که شرکت تعداد زیادی از پاسخگویان در گروه‌های اجتماعی، با توجه به افزایش تعداد شبکه‌های تلویزیونی، کاهش یافته است. دلیل آن می‌تواند مالکیت تلویزیون در میان نمونه خانوار باشد، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر پاسخگویان، کانال‌های تلویزیونی را دریافت می‌کنند.^۱

به منظور سنجش این مقادیر، بهتر است ارزیابی‌های فوق با اثر دریافت تلویزیون در جدول ۴ مقایسه شود، ولی نتایج در جدول ۴ گزارش نشده است. بنابراین، مجدداً رگرسیون‌های ارائه شده در جدول شماره ۵ را ارزیابی می‌کنم که این متغیرها شامل گذران دقیق تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو است. نتایج ۱۷ نشان می‌دهد که با افزایش هر دقیقه در رسانه، متوسط خانوارها، وقت بیشتری را برای گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون می‌گذرانند، یعنی خانوارها ۰٫۴۴ درصد از گروه‌های اجتماعی دور می‌شوند (خطای استاندارد ۰٫۲۲ و P-value ۰٫۰۴۱). در سطوح فردی نتایج ۱۷ نشان می‌دهد که با افزایش هر دقیقه، پاسخگو وقت بیشتری را صرف گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون می‌کند که باعث می‌شود ۰٫۲۸ درصد از مشارکت پاسخگو در انواع فعالیت‌ها کم شود (خطای استاندارد ۰٫۱۷ و P-value ۰٫۰۹۶) و همینطور توجه پاسخگو به نشست‌های اجتماعی در هر ماه به میزان ۰٫۲۰ کاهش می‌یابد (خطای استاندارد ۰٫۲۴ و P-value ۰٫۳۹).^۱ بنابراین کاهش مشارکت را به خاطر زیاد شدن شبکه‌های تلویزیونی در گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌کنیم.

به منظور بررسی اینکه "آیا اثر متفاوت نمایش رسانه بر روی انواع مختلف گروه‌ها و سازمان‌ها وجود دارد؟"، مجدداً معادله ۳ را با استفاده از اطلاعات کلیدی و تقسیم بندی متغیرهای وابسته، به صورت جداگانه از طریق غیر مذهبیون و گروه‌های مذهبی ارزیابی می‌کنم. به طور میانگین گروه‌های مذهبی فقط ۲۱ درصد از گروه‌های موجود در روستا را شامل می‌شود. اما در حال حاضر ۴۱ درصد از حضار جلسات از این گروه هستند؛ به دلیل اینکه گروه‌های مذهبی گرایش به قرآن و مطالعات مذهبی دارند و جلسات زیادی را برگزار می‌کنند. نتایج در جدول ۶، کاهش اساسی در هر گروه غیر مذهبی و مشارکت زیاد در چنین گروه‌ها را نشان می‌دهد. در نتایج قبلی جدول، من بیشتر به تجزیه

و تحلیل گروه‌های مذهبی مورد نظر پرداختم و دریافتم که آنها از موثرترین گروه‌های وابسته به حکومت محلی روستا هستند که فعالیت‌های‌شان عبارت است از: فعالیت‌های داوطلبانه برای حفظ اموال عمومی، انجمن‌های خانوار و کمیته مدارس.

در نهایت همانطور که در ستون قبل نشان داده شده، ظاهراً کاهش در گردش پس اندازها و مکانیزم‌های اعتباری روسکا (ROSCAs) هم وجود دارد (روسکا، مکانیسم مهم پس انداز برای روستائیان است). روی هم رفته، مشارکت در شماری از گروه‌ها مثل روسکا به خاطر زیاد شدن شبکه‌های تلویزیونی، به میزان ۱۷ درصد کاهش داشته است. بر این اساس، مسئله فوق نشان می‌دهد که کاهش در سرمایه اجتماعی ممکن است هزینه زیادی را نیز در برداشته باشد.

بنابراین، صرفاً مشارکت در گروه‌های اجتماعی سازمان یافته را بررسی کردم. به هر حال ممکن است رادیو و تلویزیون جانشین مشارکت در گروه‌های اجتماعی سازمان یافته در جلسات غیر رسمی‌تر در خانه‌های دوستان شوند. برای مثال، تصور کنید که مردم در خانه دوستی گرد هم می‌آیند تا تلویزیون تماشا کنند. به منظور بررسی این موضوع، من از اطلاعات مربوط به تحقیق خانوار استفاده کردم که در آن از پاسخگویان خواسته شد درباره دیدارهای اجتماعی از دوستان و همسایه‌های قبلی در هفته گذشته گزارش دهند. نتایج در جدول گزارش نشد. دریافتم که ظاهراً دیدارهای اجتماعی در مناطق، با توجه به دریافت بهتر تلویزیون کاهش داشته است، با اینکه نتایج به لحاظ آماری با توجه به مشخصات کامل معنی دار نیست^۱. مسئله فوق اشاره می‌کند که کاهش مشارکت در سازمان‌های اجتماعی، نشان دهنده کاهش مشارکت در تعاملات اجتماعی است.

۴-۱-۲ اعتماد

علاوه بر مشارکت در گروه‌های اجتماعی، دومین شاخص از سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد نیز در گروه‌های اجتماعی متمرکز شده است. تئوری و شواهد موجود، به مشارکت و اعتماد در گروه‌های اجتماعی مرتبط اشاره می‌کنند. در نتیجه شبکه‌های اجتماعی، موجب ایجاد مکانیزم توافق‌های اجباری در بین اعضای شبکه می‌شود (Kandori, 1992; Greif, 1993; Karlan, 2007; Mobius and Szeidl, 2007).

بخش عمده کار تجربی مربوط به تاثیر اعتماد و سنجش‌های اعتماد، به واسطه سوال پژوهش‌های اجتماعی است که می‌پرسد: به طور کلی، آیا شما معتقدید که بیشتر مردم می‌توانند قابل اعتماد باشند؟ یا اینکه روی این مسئله دقت نکردید؟ گلاسر و بقیه (Glaser et al, 2000) و کارلان (Karlan, 2005) نشان می‌دهند، جواب به سوال اعتماد باعث می‌شود که به جواب سوالی که قبلاً در زمینه اقتصادی نرسیده‌اید، دست یابید.

بنابراین، نتایج بدست آمده از اثرات افزایش رسانه را با شاخص اعتماد، بررسی می‌کنم. سوال مربوط به اعتماد را از همه اقشار یعنی مردم عادی، دولت، رئیس جمهور و غیره پرسیده می‌شود.

نتایج در جدول ۷ نشان می‌دهد که با اضافه شدن شبکه‌های تلویزیونی، با کاهش ۴ درصدی اعتماد در بین پاسخگویان روبرو می‌شویم. به طور قابل توجهی، پاسخ‌های اعتماد به دوری و نزدیکی پاسخگو بستگی دارد؛ یعنی گروهی که دارای کمترین کاهش اعتمادند، مردمی هستند که در نزدیکی شما زندگی می‌کنند، یعنی ۱,۲ درصد کاهش اعتماد دیده می‌شود و گروه‌هایی که بیشترین کاهش اعتماد را دارند، شامل مردمی هستند که در روستای شما و یا در اطراف روستای شما زندگی می‌کنند که حدود ۵,۳ درصد کاهش اعتماد را نشان می‌دهد.

بنابراین، اعتماد و مشارکت دو شاخص متفاوت از سرمایه اجتماعی مورد بررسی است. هر دو، نتایج مشابهی را نشان می‌دهد که دلیل محکم تاثیر رادیو و تلویزیون بر سرمایه اجتماعی است.. ۲-۴ شواهدی از پنل ملی نواحی (حواشی)

تجزیه و تحلیل موجود در بالا به تجزیه و تحلیل متقاطع بخشی (cross-sectional) استناد می‌کند که مربوط به سیگنال‌های قوی افتراقی در نواحی روستایی است که با میزان استفاده از رسانه و سرمایه اجتماعی، رویکرد جایگزینی تغییر در تعداد کانال‌های تلویزیونی دریافتی را ارزیابی می‌کند. و تاثیر این تغییرات را بر سرمایه اجتماعی بررسی می‌کند. این بخش، استفاده از این تجزیه و تحلیل را انجام می‌دهد و به من این اجازه را می‌دهد تا تغییرات را در سرمایه اجتماعی، بین سال‌های قبل از شروع تلویزیون‌های خصوصی (۱۹۹۰ و ۱۹۹۱) و بعد از شروع تلویزیون خصوصی در سال ۲۰۰۳ در بعضی از مناطق کشور مقایسه کنم.

از اطلاعات دو مجموعه نواحی، یعنی از اطلاعات کلیدی مبتنی بر تحقیق PODES و اطلاعات فردی از پژوهش‌های خانوار SUSENAS استفاده می‌کنم تا بتوانم مقایسه فوق را انجام دهم.

(معادله ۴):

$$\text{SOCIALCAPITALsdti} = \text{asd} + \text{adt} + \beta \text{NUMCHANNELSsdt} + \text{Xsdti} \delta + \epsilon \text{sdt}$$

جزئیات معادله فوق به شرح زیر است:

$$\text{SOCIALCAPITALsdti} = \text{سنجش‌های سرمایه اجتماعی مختلف}$$

t = موج تحقیق

$$\text{NUMCHANNELSsdt} = \text{تعداد شبکه‌هایی که نواحی می‌تواند دریافت کند}$$

$$s = \text{تعیین محل در حوزه d در سال t}$$

$$\text{asd} = \text{اثرات ثابت ناحیه}$$

$$\text{adt} = \text{حوزه} \times \text{اثرات ثابت موج تحقیق}$$

$$i = \text{نشانه فرد}$$

$$\text{Xsdti} = \text{نشانه متغیرهای کنترلی فردی (سن، جنس، تحصیلات، هزینه سرانه خانوار و داشتن برق).}$$

در این مقایسه، دو موج اطلاعات وجود دارد: اولین موج مربوط به زمانی است که فقط یک کانال تلویزیون خصوصی بود و دومین موج، ایجاد کانال‌های خصوصی در سال ۲۰۰۳ است. در مبحث فوق، من در اولین دوره، بتا را ۱ و در دومین دوره، بتا را مساوی با میانگین دریافت تعداد کانال‌ها (۲۰۰۶) در بخش فرعی ناحیه جا گذاری می‌کنم. تذکر اینکه، به انضمام " ناحیه × نتایج ثابت شده موج تحقیق " (adt)؛ تغییرات در محیط سرمایه اجتماعی در قسمت‌های مختلف اندونزی را نیز می‌پذیرم.

نتایج در جدول ۸ نشان می‌دهد که در ستون ۱، متغیر وابسته، میانگین تعداد انواع سازمان‌های حاضر در روستا در تحقیق PODES است. همانطور که در بالا بحث شد، سرشماری PODES شامل اطلاعات درباره حضور ۴ نوع از سازمان‌های اجتماعی یعنی ورزش، هنر، خدمات عمومی و فعالیت جوانان است. ارزیابی ستون ۱ نشان می‌دهد هر کانال اضافی که می‌تواند دریافت شود، مربوط به کاهش ۰,۰۱۴ در تعداد انواع سازمان‌های حاضر در روستا است. در حالیکه ممکن است مقدار این اثر مقدارش کم به نظر برسد، اما باید یادآوری کنم که متغیرهای بخش پودس یکی از این ۴ سازمان موجود است و مشارکت در آن محاسبه نشده است. در نتیجه این تغییرات کوچک در سازمان‌هایی که موجود است، ممکن است تغییرات بزرگ در میزان مشارکت را پوشش بدهد.

در ستون ۲، همان ویژگی داده‌های فردی استفاده شده قبل را تکرار می‌کنم. در این ویژگی، متغیر وابسته، یک متغیر ساختگی است تا بتواند مشارکت فرد را در ۶ نوع فعالیت‌های اجتماعی (مذاهب، گروه‌های ورزشی، گروه‌های هنری و گروه‌های جوان و سازمان زنان و سازمان خاک سپاری) در سه ماهه گذشته بسنجد. تاثیر دریافت شبکه‌ها، منفی است، بدین معنی که دریافت هر کانال اضافی تلویزیون، درصدی از مشارکت پاسخگویان در فعالیت‌های اجتماعی (بین ۲,۵ و ۵ درصد) از سطح میانگین متغیر وابسته را کاهش می‌دهد. در نتایج گزارش نشده در جدول، من همچنین تاثیرات را یک به یک در گروه‌ها بررسی کرده‌ام. این ارزیابی نشان می‌دهد که رگرسیون‌های گروه اختصاصی، عموماً معنی دار نیست (۱,۳ درصد امتیاز کاهش در مشارکت با توجه به افزایش هر کانال تلویزیونی) اما آن‌ها اشاره می‌کنند که بخش اعظم کاهش به خاطر کاهش در گروه‌های مذهبی و جوامع فرسوده است (۱,۲ درصد امتیاز کاهش در مشارکت با توجه به افزایش هر کانال تلویزیونی).

- تاثیرات بر نظارت: شواهد از پژوهش جاوه

بخش‌های قبلی یک رابطه روشن میان ظهور رادیو و تلویزیون و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از طریق سنجش مشارکت و اعتماد در گروه‌های اجتماعی بررسی می‌شود. این بخش، معادله سرمایه اجتماعی را کشف و بررسی می‌کند. بنا به نظر پاتنام و دیگران در سال ۱۹۹۳ با کم شدن سرمایه اجتماعی، نظارت بدتر می‌شود. بویژه، من بر محدوده نظارت پروژه

جاده‌ها در روستا تمرکز می‌کنم، در حالیکه داده‌ها از تحقیق جاوه جمع آوری شده است^۱. من سه سنجش نظارت را در پروژه‌ها بررسی می‌کنم که این سه سنجش شامل: برنامه ریزی، ایجاد نظارت و کیفیت بحث در جلسات است و همینطور درصد دارایی‌های استفاده شده در پروژه را که نمی‌شد از طریق تیم مهندسی غیر وابسته محاسبه شود، نیز بررسی می‌کنم. این بررسی نتایج بدی را به همراه داشت، یعنی با افزایش شبکه‌های تلویزیونی، سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد.

البته سوال مهمی که مطرح می‌شود، "صحت تاثیر دریافت رادیو و تلویزیون بر نظارت بواسطه تاثیرات کانال‌ها بر سرمایه اجتماعی است." این مورد در سطح وسیع نظارت غیر محتمل است، در نتیجه رسانه ممکن است اثر مستقیمی بر نظارت بیشترداشته باشد که موثر بر مباحث سرمایه اجتماعی در این تحقیق است. برای مثال، افزایش دسترسی مردم به گزارش‌های خبری ممکن است موجب تغییر رفتار سیاستمداران باشد مثل Stromberg, 2004 البته گزارش اخبار رادیو و تلویزیون در سطح ملی است و خیلی بعید است حوادث روستا را پوشش دهد. بنا به بحث فوق، هزینه‌های صرف شده در پروژه جاده سازی روستا در ۴ جلسه بررسی شد. این جلسات به صورت علنی برگزار شد و یکی از اعضای پروژه، فهرست افرادی را که در این جلسه صحبت کردند، یادداشت کرد. به منظور تاثیر نمایش رسانه بر رسیدگی جلسات، دوباره معادله ۳ را ارزیابی می‌کنم که هر مشاهده، مربوط به یک جلسه روستایی است. من موارد فرضی جلسات را در نظر گرفتم و متقابلاً بر عملیات تجربی بحث شده در بالا اثر دادم.

نتایج در جدول ۹ نشان می‌دهد که با افزایش تعداد کانال‌ها، توجه ۳ درصد از مردم به انجمن‌ها کاهش می‌یابد. این ارزیابی ۳ درصدی برابر با ارزیابی اثر مشارکت از پژوهش‌های خانوار است (مثل ستون ۴ جدول ۵). من کل اعضای داخلی (اعضای نظارت روستا، تیم اجرای پروژه و یا دیگر رهبران روستا) و اعضای خارجی (دیگران) را دسته بندی می‌کنم. به طور غیر منتظره‌ای، توجه کمتر به نمایش رسانه در میان اعضای داخلی بیشتر از خارجی است، در نتیجه بعضی از مردم زمان بیشتری را صرف تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو می‌کنند تا اینکه خود را درگیر نظارت روستایی کنند. دوم اینکه، من اثر رادیو و تلویزیون را بر روی کیفیت مباحث در انجمن‌ها را بررسی می‌کنم. علیرغم اینکه توجه کمتری به انجمن از طرف مردم وجود دارد، به لحاظ آماری کاهش معناداری در تعداد افرادی که در انجمن‌ها صحبت می‌کنند، وجود ندارد. در ستون‌های ۶، ۵، ۷، سنجش‌های دیگر کیفیت مباحث در جلسات را بیشتر بررسی می‌کنم. ستون ۵ تعداد مشکلات یا موضوعاتی را بررسی می‌کند که در جلسات جوابگویی بحث شده است. این برآورد اشاره می‌کند که با افزایش نمایش رسانه در روستاها با توجه به مشکلات آن، بحث و گفتگو در جلسات کمی بیشتر می‌شود. هر چند این نتیجه به لحاظ آماری معنی دار نیست. به همین نحو، در ستون ۷ در می‌یابیم واکنش جدی برای حل مشکل در جلسات وجود ندارد. روی هم رفته، این نتایج به این مسئله اشاره می‌کند که نمایش

رادیو و تلویزیون، بر کمیت مشارکت در انجمن‌ها موثر است ولی به لحاظ سنجش کیفیت گفتگو در انجمن‌ها موثر نیست.

سومین سنجش نظارت، مربوط به بررسی هزینه‌های مفقوده از پروژه جاوه است. در حالی‌که در بخش ۳، ۱، ۲ در بالا بحث شده است، هزینه‌های مفقوده طبق جداول، عبارت است از اختلاف هزینه‌ها میان آنچه که روستا ادعا می‌کند و آنچه که ارزیابی مهندسی مستقل مطرح می‌کنند. بنابراین، اختلاف هزینه‌ها قابل تفسیر هستند و نمی‌توان از طریق ارزیابی مهندسی مستقل، دلیل موجهی ارائه داد.

نتایج از معادله ارزیابی ۳ با هزینه‌های مفقود به عنوان متغیر وابسته در جدول ۱۰ ارائه شده است. در نتیجه جدول ۹ افزایش اثرات ثابت شده در ناحیه و مجموع کنترل‌های سطح روستا را نشان می‌دهد. این ویژگی همچنین شامل متغیرهای ساختگی برای تحقیقات تجربی (بازرسی، دعوت، اشکال توضیحی) است. من چهار روش از متغیر هزینه مفقوده یعنی هزینه‌های مفقود در پروژه جاوه، هزینه‌های مفقود در پروژه جاوه و پروژه‌های فرعی ضمیمه آن (شامل کانال‌ها و مجراها و دیوارهای حائل و بقیه)، اختلاف قیمت‌ها در پروژه جاوه (یعنی اختلاف میان قیمت‌های گزارش شده از طریق روستا و قیمت‌های گزارش شده از طریق مهندسی) و اختلاف در کیفیت مواد گزارش شده از طریق روستا و مهندسی در پروژه جاوه را ارزیابی می‌کنم.

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد با بیشتر شدن کانال‌های تلویزیونی، سرمایه اجتماعی کم می‌شود و این مسئله به فساد کمتر کمک می‌کند، همانطور که پاتنام و دیگران پیش بینی کرده بودند. بخصوص، در سه تا از آن چهار ویژگی، ضریب تاثیر، منفی و به لحاظ آماری معنی دار است. فقدان ارتباط میان مشارکت و فساد، به دلیل ارائه دلایل تجربی در تحقیق اوکا در سال ۲۰۰۷ است که نشان داد افزایش مشارکت در نظارت جلسات، به لحاظ آماری، اثر معنی داری بر هزینه‌های مفقوده از پروژه‌های جاوه ندارد. زبان آور نبودن افزایش شبکه‌های تلویزیونی موجب تقویت سرمایه اجتماعی است که می‌تواند بر نظارت تاثیر گذار باشد.

نتیجه

این مقاله پیوند میان نمایش رادیو و تلویزیون و سرمایه اجتماعی را ارزیابی می‌کند. بنابراین با توجه با تعداد شبکه‌های دریافتی خانوارها، از دو منبع برونزاد (خارجی) استفاده شده است. اولین متدلوژی در این تحقیق، استفاده از میانگین روستاهایی است که شبکه‌ها را دریافت می‌کنند، دومین متدلوژی، معرفی تمایز تلویزیون خصوصی در اندونزی در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ و میانه سال ۲۰۰۰ بود، یعنی زمانی که صرفاً ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون پخش دولتی TVRS داشتند.

نتایج این دو متدلوژی عبارت است از: افزایش دسترسی به سیگنال های تلوویزیونی باعث کاهش مشارکت در سرمایه اجتماعی می شود. داده های جاوه نشان می دهد که با افزایش هر کانال اضافی در هر روز ۱۴ دقیقه به زمان تماشای تلوویزیون و گوش دادن به رادیو اضافه می شود، اساس مشارکت در این گروهها بدین صورت تفسیر می شود: با افزایش دریافت شبکه تلوویزیونی مشارکت در گروههای اجتماعی کاهش می یابد. همچنین این داده ها نشان می دهد که دریافت بیشتر شبکه های تلوویزیونی موجب کاهش مشارکت و اعتماد در انجمن های توسعه روستایی می شود. سپس در این تحقیق، روابط بین نمایش رادیو و تلوویزیون و نظارت ساخت جاده روستایی با استفاده از داده های روستای جاوه بررسی می شود. با وجود اثرات منفی دریافت شبکه های تلوویزیونی اضافی، تاثیری در نظارت جلسات پروژه جاوه و همچنین ارتباطی میان دریافت شبکه های اضافی تلوویزیونی و هزینه مفقوده در پروژه جاوه مشاهده نشد.

References

- Alatas, Vivi, Lant Pritchett and Anna Wetterberg (2002). "Voice Lessons: Local Government Organizations, Social Organizations, and the Quality of Local Governance." World Bank Policy Research Working Paper #2981.
- Besley, Timothy, Stephen Coate and Glenn Loury (1993). "The Economics of Rotating Savings and Credit Associations." *American Economic Review* 83 (4): 792-810.
- DellaVigna, Stefano and Ethan Kaplan (2007). "The Fox News Effect: Media Bias and Voting." *Quarterly Journal of Economics* 122: 1187-1234.
- Depinfokom (2004). "Data Media Lembaga Penyiaran Televisi Swasta." Departemen Informasi dan Komunikasi Republik Indonesia.
- DiPasquale, Denise and Edward L. Glaeser (1999). "Incentives and Social Capital: Are Homeowners Better Citizens?" *Journal of Urban Economics* 45 (2): 354-384.
- Durlauf, Steven N. (2002). "On the Empirics of Social Capital." *Economic Journal* 112 (483): 459-479.
- Fukuyama, Francis (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. New York, Free Press.
- Gentzkow, Matthew (2006). "Television and Voter Turnout." *Quarterly Journal of Economics* 931.
- Gentzkow, Matthew and Jesse Shapiro (2008). "Preschool Television Viewing and Adolescent Test Scores: Historical Evidence from the Coleman Study." *Quarterly Journal of Economics* 123 (1): 279-323.
- Gertler, Paul, David I. Levine and Edward Miguel (2006). "Does Industrialization Build or Destroy Social Networks? ." *Economic Development and Cultural Change* 54 (2): 287-318.
- Glaeser, Edward L., David I. Laibson, Jose A. Scheinkman and Christine L. Soutter (2000). "Measuring Trust." *Quarterly Journal of Economics* 115 (3): 811-846.
- Greif, Avner (1993). "Contract Enforceability and Economic Institutions in Early Trade: The Maghribi Traders' Coalition." *American Economic Review* 83 (3): 525-548.
- Guiso, Luigi, Paola Sapienza and Luigi Zingales (2004). "The Role of Social Capital in Financial Development." *American Economic Review* 94 (3): 526-556.
- Hufford, G.A. (2002). "The ITS Irregular Terrain Model, version 1.2.2 The Algorithm."
- Jensen, Robert and Emily Oster (2007). "The Power of TV: Cable Television and Womens Status in India." NBER Working Paper #13305.
- Kandori, Michihiro (1992). "Social Norms and Community Enforcement." *Review of Economic Studies* 59 (1): 63-80.
- Karlan, Dean (2007). "Social Connections and Group Banking." *Economic Journal* 117: F52-F84.

- Karlan, Dean S. (2005). "Using Experimental Economics to Measure Social Capital and Predict Financial Decisions." *American Economic Review* 95: 1688-1699.
- Knack, Stephen and Philip Keefer (1997). "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation." 112 (4): 1251-1288.
- La Porta, Rafael, Florencio Lopez-de-Silanes, Andrei Shleifer and Robert W. Vishny (1997). "Trust in Large Organizations." *American Economic Review* 87 (2): 333-338.
- Miguel, Edward, Paul Gertler and David I. Levine (2005). "Does Social Capital Promote Industrialization? Evidence from a Rapid Industrializer." *Review of Economics and Statistics* 87 (4): 754-762.
- 38
- Mobius, Markus and Adam Szeidl (2007). "Trust and Social Collateral." Harvard University.
- Narayan, Deepa and Lant Pritchett (1999). "Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania." *Economic Development and Cultural Change* 47 (4): 871-897.
- Olken, Benjamin A. (2006a). "Corruption Perceptions vs. Corruption Reality." NBER Working Paper #12561.
- Olken, Benjamin A. (2006b). "Do Television and Radio Destroy Social Capital? Evidence from Indonesian Villages." NBER Working Paper #12561.
- Olken, Benjamin A. (2007). "Monitoring Corruption: Evidence from a Field Experiment in Indonesia." *Journal of Political Economy* 115 (2): 200-249.
- Putnam, Robert D. (1993). *Making democracy work : civic traditions in modern Italy*. Princeton, N.J., Princeton University Press.
- Putnam, Robert D. (2000). *Bowling alone : the collapse and revival of American community*. New York, Simon & Schuster.
- Sobel, J. (2002). "Can We Trust Social Capital?" *Journal of Economic Literature* 40 (1): 139-154.
- Stromberg, David (2004). "Radio's Impact on Public Spending." *Quarterly Journal of Economics* 119 (1): 189-221.
- Williams, Tannis MacBeth (1986). *The impact of television: a natural experiment in three communities*, Academic Press.
- Wooldridge, Jeffrey M. (1999). "Distribution-free estimation of some nonlinear panel data models." *Journal of Econometrics* 90 (1): 77-97.